

# تمام معیارهای هنری ما بهم ریخته است

نصراً... قادری (□): بسم الله الرحمن الرحيم. در آغاز بخاطر پذیرفتن دعوت ما برای این مساحبه از شما تشکر می‌کنم! بیش از هر چیز به این دلیل که با شما بعنوان هنرمند تئاتر و به دلیل قطع ارتباط کاری، مخاطبین ما آشنایی زیادی ندارند، خودتان را بیشتر معرفی کنید؟ آخرین کاری که از شما به روی صحنه رفت «پرواز بر فراز آشیانه» ساخته، در سالن اصلی تئاتر شهر بود.

منیژه محامدی (■): بعد از اجرای پرواز بر فراز آشیانه ساخته به آمریکا رفته و دو سال پیش هم در آنجا بودم. حدود ۶ ماه پیش، نمایشنامه «خانه عروسکه» اثر «هنریک ایبسن» را برای تلویزیون ضبط کردم که متأسفانه تا حالا پخش نشده است. قبل و بعد از انقلاب هم چندین نمایش به روی صحنه برده‌ام.

من کلیه مقاطع تحصیلی خود اعم از دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس و تخصص خودم را در زمینه تئاتر درمانی از آمریکا گرفتم و هم اکنون هم عضو آکادمی تئاتر درمانی این کشور هستم! همچنین طی سالهایی که در آمریکا بودم چند نمایش به روی صحنه بردم از جمله «کتیبه» براساس شعر اخوان ثالث نوشته محمد اسکندری (برنده جایزه ویژه بین المللی تئاتر سانفرانسیسکو در سال ۱۹۹۰)، «حلاج» «زن تنها»، «ضیافت» و چند نمایش دیگر. بعلاوه تدریس در چند کالج و موسسه آموزشی در آمریکا و همچنین کارگردان گروه تئاتری مایم تروپ در سانفرانسیسکو بودم. هم اکنون هم در چند دانشگاه از جمله دانشگاه آزاد اسلامی تدریس می‌کنم! و عضو هیأت علمی این دانشگاه هستم.

□ چرا بر خلاف بزرگترین هنرمندان جهان که در خارج از کشور خودشان رشد کرده و بالنده شدند، هنرمندان کشور ما در آنجا بجای رشد، ایزوله و نهایت به یک «شومن» دست چندم تبدیل می‌شوند؟

■ هنرمندان و آدماهایی که از اینجا رفتند، برای زندگی در کشورهای بیگانه چند مسأله اساسی دارند، اول اینکه شناخت فضا و جامعه جدید برای آنها مشکل است، مسأله مادی و پیدا کردن کار مناسب از مشکلات اساسی دیگر است. به

ناچار هنرمندان ما فرصت اینکه به خود برسند و به کار هنری بپردازند را ندارند.

هنرمندان ایرانی که در آنسوی مرزها مثلاً در آمریکا کار و فعالیت می‌کنند با مشکل دیگری هم روبرو هستند و آن اینکه اغلب تماشاگرانی که در آنجا هستند، تماشاگر تئاتر بروی ایران نیستند. اغلب تئاتر را نمی‌شناسند و تئاتر را بسیار سطحی و مبتذل و در حد شوهای تلویزیونی می‌بینند!

پس مقدار زیادی مشکلات هنرمندان با زبان، کار، فضا و... است و قسمتی دیگر مشکل تماشاگر است که از کارهای جدی استقبال نمی‌کند. حدود نیم میلیون ایرانی در جنوب کالیفرنیا، زندگی می‌کنند که قبلاً عده زیادی در ایران اصلاً تئاتر نپسندیده‌اند، اغلب الکو و متدهای آنها شوهای تلویزیونی است برای همین نمایشی که خیلی جدی و حرفی برای گفتن دارد در بین مردم آنجا خیلی خواهان ندارد.

□ در ایران هم تماشاگر حرفه‌ای نداریم. اما در پرواز بر فراز آشیانه ساخته، تماشاگران باشنه در را برای دیدن نمایش از جا در می‌آوردند! چرا این اتفاق در آنجا نمی‌افتد و هنرمندان ایرانی مقیم آنجا بجای اینکه در تالارهای حرفه‌ای دنیا مانند تئاتر پردوری کار به روی صحنه بیاورند، در کاباره‌ها شو اجرا می‌کنند؟

■ البته همه هنرمندان هم چنین نیستند و کار خوب هم می‌شود. در ایران مردم امروز به هنر علاقمند شده‌اند. قبل از انقلاب هنر برای قشر خاصی بود و برای بقیه مردم فعالیت هنری بسیار ناپسند بود. خانواده‌ها به دختران خود اجازه همکاری در فعالیتهای هنری را نمی‌دادند، اما متأسفانه فضای فکری و ذهنی تماشاچی ایرانی که در خارج زندگی می‌کنند کمتر عوض شده چون نیازشان با تماشاچی ما تفاوت دارد.

در آمریکا هنرمندان ایرانی جای مناسبی برای عرضه آثار برتر خود ندارند. اگر بعد از مدتی بدنبال چیزی که در ذهن شما است، نباشید، دیگر نمی‌توانید آن را عملی کنید! خود من هم وقتی در آمریکا نمایشی جدی را روی صحنه می‌بردم، تماشاگر زیاد ایرانی نداشتم!

□ به نظر شما نسل جدیدی که در دانشگاه

تحصیل می‌کنند چه ویژگیهایی دارند؟ و آیا با این دانشجویان، می‌توانیم به مرزهای صدسال پیش تئاتر درست دنیا برسیم؟

■ امیدوارم. دانشجویان مانند بچه‌هایی هستند که تازه دنیا آمده‌اند! اگر به آنها درست بیاموزی، به همه جا می‌رسند. دانشجویان قبل از انقلاب عاشق هنر بودند و می‌خواستند سینما و تئاتر را یاد بگیرند! رابطه بین اساتید و دانشجویان رابطه درست و مناسبی بود، اگر کسی هم قصد داشت هنرمند بشود، بایز راه سختی را طی می‌کرد. متأسفانه تمام معیارهای هنری ما بهم ریخته است و هیچ چیز ثابت ندارد. امروز با ساده‌ترین راه و با شرایط بسیار ساده می‌توان در سریال‌ها و فیلم‌ها بازی کرد. در کنار تمام این مسائل، استادان زیادی در این زمینه نداریم و تعداد معدودی هم که وجود دارند، از شان استفاده درست نمی‌شود. فیلم خوب در دسترس نیست، سالن‌های تئاتر هم که خالی است.

همچنین برنامه‌های آموزشی و کلاسهای مختلف دانشگاه اصول درست و مشخصی را رعایت نمی‌کند و برای همین هر کسی هر چه یلد است تدریس می‌کند. برای همین من فکر می‌کنم هم اساتید و هم دانشجویان قربانی سیستم غلط آموزشی شده‌اند.

□ آیا شما بین نمایش و تئاتر تفاوتی قائل هستید؟

■ آنچه ما از تئاتر یاد گرفتیم این است که صحنه قوانینی دارد و عناصر قوام یافته، بازیگر، اتفاق، تضاد و... در آن وجود دارد؛ ولی هرگونه اجرایی را می‌توان نمایش گفت.

□ در ارتباط با تئاتر درمانی، آیا شما معتقدید که تئاتر درمانی درست است یا نمایش درمانی؟

■ نمایش درمانی. در این باره دو شیوه وجود دارد. ۱. سیکودرام که قانون خاص خودش را دارد. ۲. Drama therapy است که قوانین تئاتر الزاماً اجرا نمی‌شود و بیشتر تئاتر نمایش است. در Dramatherapy نمایش درمانی معنی بیشتری پیدا می‌کند.

□ ما در آئین‌های خود مراسمی که دارای جنبه درمانی باشد، داریم مانند مراسم زار! آنها در

مراسم‌های آئینی در آن سوی مرزها هم نمایش درمائی به شکلی که در اینجا داریم، حاکم است یا نه! مثلا در مراسم آئینی ما یک نیروی متافیزیکی حاکم است و ...

همیشه نه! اما بیشتر وقتها از شمنیزم و مراسم آئینی دیگر و نیروی متافیزیکی استفاده می‌کنند. در Drama Therapy بیشتر تخلیه روان مطرح است و هدف بیرون ریزی است، هر عمل نمایشی که بتواند روان را پالایش دهد، اما در سایکو درام قانون داریم.

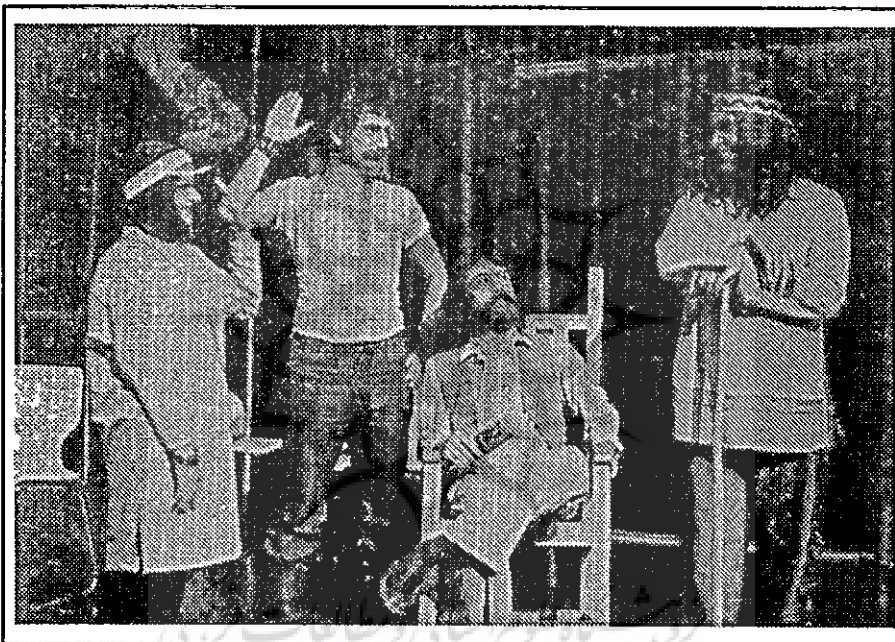
ما در اینجا قهرمان، ضد قهرمان و نیروی کمکی داریم و همیشه بازی باید با شخصیت اصلی شروع و نیروی کمکی کمک می‌کند تا قضیه به جایی برسد! مشکل درمان جو را روان درمان از قبل می‌دانند اما در درام تراپی بیشتر وقتها عمل دسته جمعی است و

مشکل در عین بازی بیرون می‌ریزد. که بیشتر شبیه نمایش است، در اینجا باید فضایی ایجاد شود که آدمها یکی شوند! در این فضا درمانگر متوجه مشکلات درمان جو می‌شود! این کار روشهای مختلف نمایشی را دربرمی‌گیرد، اما اینها هیچکدام تئاتر نیست. ما در تئاتر روشی نداریم که بوسیله آن بشود مشکل یک بیمار روانی را حل کرد. یک هنرمند تئاتر نمی‌تواند تئاتری اجرا کند و یا با

قرار دادن بیمار در نمایش، نمی‌تواند کسی را معالجه کند. بنابراین چیزی بنام تئاتر درمانی در تئاتر نداریم، بلکه در روان شناسی داریم! البته از تئوریا و کارهای کسانی مانند آرتو، گروسکی، پیراندللو، استانتیسلاوسکی در تئاتر درمانی استفاده‌های بی شماری شده است و گاه می‌توان نمایشهایی را سراغ گرفت که در درمان بیماران روانی بسیار موثر بوده‌اند، تجربه من از اجرای نمایش پرواز بر فراز آشیانه فاخته مبین این نظر است! آقایی تمام اجراهای نمایش را در تئاتر شهر می‌دید و هر شب چند صفحه‌ای را برای من می‌نوشت، ابتدا این نوشته‌ها هیچ انسجامی نداشتند اما رفته رفته دارای انسجام و وحدت شدند! او در نوشته‌هایش گفت که بیمار روانی است و ۴ سال در تیمارستان بستری بوده و ۱۶ بار شک الکتریکی شده است! او هر شب با

## امروز با ساده‌ترین راه و با شرایط بسیار ساده می‌توان در سریال‌ها و فیلم‌ها بازی کرد

شخصیتهای نمایش همذات پنداری می‌کرد، شب آخر با دکتر روان پزشک خود پیش ما آمد و تشکر کرد که بیمار روانی مزبور معالجه شده است!



پرواز بر فراز آشیانه فاخته، مترجم و کارگردان میژده محامدی

در نمایش زار تماشاگر نداریم، تمام کسانی که در محیط هستند در ارتباط کامل با بیمار هستند. در آنجا بیمار نمی‌داند که درمان می‌شود در نمایش درمانی چگونه؟

در نمایش درمانی فرد می‌داند که برای درمان آمده! فضا می‌تواند موجب تخلیه شدن او شود. جمع همیشه تأثیر ندارد اما فضا همیشه موثر است.

در نمایش زار مسائل مذهبی دخالت دارد. مثلا بعضی از افراد ممکن است روح کافر به جسمشان رفته باشد و بعضی‌ها هم روح مسلمان! در نمایش درمانی چه مقدار به مسائل مذهبی پرداخته می‌شود؟

در نمایش درمانی این مسئله زیاد مطرح نیست! در آنجا گروهی هستند که به مسائل جادویی می‌پردازند ولی گروهی دیگر به این

مسائل اعتقاد ندارند!

دارو در این میان چه مقدار مهم و اساسی است؟

دارو در این میان هیچ نقشی ندارد! کسانی که دارو به درمان جو می‌دهند روانپزشک هستند، روان درمان نیستند! کاربرد نمایش درمانی در این است که بتواند بفهمد بیمار در چه مرحله‌ای است! آیا می‌توان از طریق بازی، مشکل راحل کرد یا به روان پزشک نیاز است؟ آیا فضای انتخابی برای نمایش درمانی باید جای خاصی باشد؟

هر جایی که موجب شود فرد از نظر روحی در موقعیت خاص قرار بگیرد، می‌تواند فضایی برای این کار محسوب شود! حال این فضا ممکن است سقف داشته باشد یا فضای باز باشد، اما باید در این فضا آرامش

وجود داشته باشد!

آیا جلسات روان درمانی ثبت می‌شود؟

بله و حتی به صورت کتاب هم چاپ می‌شود!

فیلمبرداری چگونه؟

اصلا، چون ذهن فرد بهم می‌ریزد، اولین مسئله در این کار اعتماد است. باید به درمان جو اعتماد داد، برای همین از فیلمبرداری و عکسبرداری مطلقاً جلوگیری می‌شود.

برای آیسند چه برنامه‌ای دارید؟

دوست دارم درس بدهم، کار کنم و نمایش روی

صحنه بپریم. که متاسفانه هنوز موفق نشدم تصویب نمایش‌ها را برای اجرا بگیرم. دوست دارم به دانشجویان یاد بدهم درهای بسته ذهن خود را باز کنند، اعتماد به نفس داشته باشند! آنها مشکل بسیاری دارند و باید کسی به آنها کمک کند! دانشجویان قبل از اینکه من بشوند باید اول من را بشناسند! دوست دارم کتابهایی برای دانشجویان ترجمه کنم، که در حال حاضر هم به ترجمه کتابی بنام «بداهه سازی در تئاتر» مشغولم.

تأمین موفق باشید!

متشکرم.